

نوشتن داستان، یک‌جور جادوست

ژاله فروهر

به یاد زنده‌یاد حسین ابراهیمی (الوند) که ترجمه «سیاه دل» را به مترجم آن پیشنهاد کرده بود.

داستان‌ها آگاهی دارد و در مثال‌هایش از گفته‌های آنان سود می‌برد. همان‌طور که اشاره شد، مو، پدر مگی و جلدساز کتاب است. به نظر مگی این تعریف به خوبی کار مو را توصیف نمی‌کند؛ او عاشق کتاب است! خودش چند سال پیش از مگی خواسته بود تابلویی با این عنوان بر سردر کارگاهش نصب کند: «مور تیمر فلو چارت: دکتر کتاب». هر گاه یک فروشنده قدیمی، یک مجموعه‌دار کتاب یا یک کتابخانه به صحاف و جلدساز نیاز داشت و سفارش مرمت چند کتاب گران‌قیمت و باارزش قدیمی را می‌داد، مو آماده کار می‌شد. به قول خودش اگر کسی می‌خواست حتی گرد و خاک کتاب‌هایش را بگیرد، او دست به سینه آماده بود.

مگی با پدرش تنها زندگی می‌کند، اما مادر مگی کجاست؟ چند سال پیش، زمانی که مگی بسیار کوچک بود و پدرش در کنار مادرش برای او کتاب می‌خواند، در اثر بلند خواندن کتاب چند شخصیت «سیاه‌دل» جان گرفته و به دنیای واقعی آمده بودند؛ در عوض مادرش غیب شده بود و پدر هیچ بهانه‌ای برای نبودن مادر نداشت بجز گفتن این‌که مادر بدون دلیل به سفری نامعلوم رفته است. حالا پس از گذشتن چند سال کاپریکورن، شخصیت منفی کتاب که زندگی در دنیای واقعی را تجربه کرده و از آن لذت برده، قصد دارد آخرین نسخه کتاب را به دست آورد و نابود کند تا مو دیگر نتواند او را به دنیای اصلی‌اش بازگرداند.

سیاه‌دل موضوع تازه‌ای دارد. گذشته از محاسنی چون معرفی کتاب‌های کودکان، نام‌بردن از شخصیت‌های آن کتاب‌ها و حتی ذکر پاره‌هایی از آن‌ها متناسب با فضای داستان، فضای پرکششی بر کتاب حاکم است که حاصل کشمکش خیر و شر است. اصولاً فضای حاکم بر داستان‌های فونکه، فضای تصمیم‌گیری بین پیروزی خیر و شر است:

«سرباز حلبی* با شنیدن کلمه آتش شوکه شد. طوری که سبیلش از شدت خشم پیچ‌و تاب برداشت و توی چشمانش چنان اضطرابی نمایان شد که مگی را تحت تأثیر قرار داد.»

سیاه‌دل ترجمه‌ای روان و یکدست دارد که حاصل زحمت شقایق قندهاری است و بر جذابیت اثر افزوده است. در واقع این‌طور که پیدا است که مترجم به خوبی از پس توصیف‌های تأثیرگذار ادبی برآمده است. به‌هیچ‌وجه قصد ندارم پایان داستان را لو بدهم، اما چون شخصیت مگی و سرانجام او برایم مهم است، باید اشاره کنم که مگی تصمیم می‌گیرد قصه گویی یاد بگیرد و بیاموزد «چگونه واژه‌ها را صید کند و با صدای بلند برای مادرش کتاب بخواند، بدون آن‌که نگران باشد چه کسی ممکن است از دل داستان بیرون بیاید».

* سرباز حلبی، شخصیت داستانی به همین نام از هانس کریستین آندرسن.

سیاه دل. کورنلیت فونکه. ترجمه شقایق قندهاری. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۸. ۵۸۷ص.

از کورنلیت فونکه نویسنده معاصر آلمانی ادبیات نوجوان چندین کتاب مختلف خوانده‌ام. نخستین‌شان *اژدها سوار* یک کتاب دو جلدی بسیار پرهیجان بود که بر حفظ میراث فرهنگی و محیط زیست تأکید داشت. شخصیت شجاع این داستان حس جسارت را در مخاطب بر می‌انگیخت. اما کتاب‌های دیگری که از او خوانده‌ام (قصر وحشت، ویلای اشباح و ...) بیشتر در ژانر ترس جای می‌گیرد و اشباح در آن حضور پررنگی دارند و زمینه‌های روان‌شناختی در داستان پررنگ است. فونکه در کتاب *شب‌ها گرگ می‌شوم مسئله* بلوغ و گذر از این مرحله را مطرح می‌کند.

اما در بین کتاب‌هایی که از فونکه خوانده‌ام، *سیاه‌دل* چیز دیگری است. انکار نمی‌کنم که در اولین نگاه و با خواندن عنوان کتاب تصور کردم با یک کتاب بازاری مواجه هستیم؛ از آن دست کتاب‌هایی که بوی جنایت‌های خیابانی و... از آن به مشام می‌رسد. اما با خواندن داستان، نظرم به کل تغییر کرد و به جرئت می‌توانم بگویم با یک فانتزی ناب روبه‌رو شدم.

کورنلیت فونکه دانش آموخته رشته مددکاری است و همواره تجربه‌های کار با کودکان را پایه نوشتن قرار داده است. او نویسنده بسیار خلاق است، تا جایی که برخی او را همتای آلمانی جی کی رولینگ، نویسنده «هری پاتر» می‌دانند؛ گرچه هنوز کتاب‌هایش به موفقیت وی در فروش دست نیافته است. با این حال به نظر من یکی از زیباترین داستان‌های او که به فارسی برگردانده شده، *سیاه دل* است.

مگی دوازده‌ساله شخصیت اصلی داستان است که با پدر صحافش زندگی می‌کند. او قادر است با بلندخواندن کتاب، شخصیت‌های داستان را از دنیای درون به دنیای بیرون بکشد. این نیروی جادویی که از پدرش آموخته، سبب دردسرهایی برای او و خانواده‌اش می‌شود. اما سرانجام با کمک همین قدرت می‌تواند بر شخصیت منفی کتاب (کاپریکورن) که جان گرفته و قصد نابودی پدر و مادرش را دارد، پیروز شود.

مگی دختری شجاع، جسور و کتابخوان است که قدرتش را از خواندن کتاب و همراهی با شخصیت‌های داستان‌ها آموخته است. برای او تحمل فراز و فرودهای زندگی بدون کتاب میسر نیست. حتی اگر به سفر کوتاه و سختی برود، حتماً چند کتاب همراه خود خواهد برد که وقتش را بیهوده هدر ندهد. از بسیاری از شخصیت‌ها و موضوع